

الحمد لله رب العالمين



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده فلسفه
گروه فلسفه دین

رساله دکتری رشته فلسفه دین

بررسی چگونگی علم خداوند به شرطی‌های خلاف واقع آزادی: نقد مولینیزم

استادان راهنما:
دکتر ابراهیم آزادگان
دکتر مهدی اصفهانی

استاد مشاور:
دکتر اعظم قاسمی

دانشجو:
فریدالدین سبط

شهریورماه ۱۴۰۱

سپاس‌گزاری

در آغاز خداوند منان را شاکرم، ازینکه این فرصت و توانایی را به من ارزانی داشت تا بتوانم پژوهش پیش‌رو را به انجام رسانم. همچنین کمال تشکر و سپاس‌گزاری را دارم خدمت اساتید راهنمایم، جناب آقای دکتر آزادگان، بابت کمک در انتخاب موضوع رساله و در یافتن ایده‌ای نو و تمامی زحمات و راهنمایی‌های ایشان در این سه سال و جناب آقای دکتر اصفهانی که این توفیق را داشتم گفت‌وگوهای متعددی را در خدمت ایشان باشم و از راهنمایی‌های ایشان بهره ببرم. همچنین بابت مشاوره‌های سازنده، ارزشمند و دلسوزانه سرکار خانم دکتر قاسمی بسیار سپاس‌گزارم. از اساتید داور محترم، سرکار خانم دکتر پورمحمدی، جناب آقای دکتر اکبری و جناب آقای دکتر اکرمی، بابت توصیه‌های ارزشمندی که در جهت بهبود این رساله فرمودند، کمال قدردانی را دارم و خرسندم ازینکه پیش‌تر توفیق شاگردی در محضر هر سه بزرگوار را داشته‌ام. و از پژوهشگاه علوم انسانی بسیار سپاس‌گزارم که بستری را فراهم نمود تا در این محفل هم بیاموزم و هم پژوهش کنم. همچنین سپاس‌گزارم از سرکار خانم دکتر صانع پور ریاست محترم پیشین پژوهشکده که در مراحل اداری این پژوهش، ثبت موضوع و طرح‌نامه مرا یاری فرمودند. و نهایت سپاس و قدردانی دارم از پدر و مادرم که از هیچ حمایت مادی و معنوی دریغ نکردند و مسیر را برایم هموار ساختند تا با خاطری آسوده به تحقیق و پژوهش بپردازم. گرچه به‌خوبی آگاهم هیچگاه نمی‌توانم زحماتشان را جبران نمایم. و در آخر سپاس‌گزارم از تمامی عزیزانی که مرا در این امر کمک کردند و متأسفانه به دلیل کوتاهی مجال از ذکر نام نیکشان عاجزم.

چکیده

مسئله ناسازگاری میان مشیت مطلق الهی و آزادی مخلوقات، ادعا می‌کند خدا باوری کلاسیک با یک دو راهی مواجه است: الف) پذیرش مشیت مطلق الهی و حذف آزادی (به معنایی مبتنی بر آموزه آزادی‌محور) ب) حفظ آزادی مخلوقات به معنای مذکور و حذف مشیت الهی. اما مولینیزم ادعا می‌کند با طرح نظریه علم میانی می‌توان از این دو راهی گذر کرد. طبق این نظریه، خداوند در مرتبه‌ای از علم خود، به شرطی‌های خلاف واقع آزادی صادق علم دارد، یعنی می‌داند تمامی مخلوقات ممکن در تمامی شرایط ممکن چه فعلی را انجام خواهند داد. او با علم به این شرطی‌ها و بالفعل کردن صرفاً مقدم آن‌ها می‌داند که مخلوقات، آزادانه چه فعلی را محقق خواهند کرد. لذا بدین طریق هم آزادی مخلوقات حفظ می‌گردد و هم مشیت خداوند که عبارت است از علم پیشین و کنترل او بر افعال مخلوقات. کوشش ما در پژوهش پیش‌رو این است که نشان دهیم چنین شرطی‌هایی نمی‌تواند وجود داشته باشد. زیرا این شرطی‌ها نیازمند صدق ساز هستند، اما ما مخلوقات نمی‌توانیم مسبب صدق آن‌ها باشیم، زیرا طبق ادعای خود مولینیزم این شرطی‌ها مستقل از اراده الهی بوده و پیش از تحقق ما مخلوقات توسط خداوند، صادق بوده‌اند. اگر ما مخلوقات مسبب صدق این شرطی‌ها نباشیم، نمی‌توان ادعا کرد شرطی‌های آزادی صادق وجود دارد، زیرا فرض وجود چنین شرطی‌هایی مستلزم تعیین‌گرایی و در نتیجه مستلزم نفی آزادی است. در ادامه سعی کرده‌ایم از منظری دیگر به مسئله شرطی‌های خلاف آزادی بپردازیم و نشان دهیم فرض وجود چنین شرطی‌هایی علاوه بر نفی آزادی، مستلزم عدم انسجام در مولینیزم است، زیرا فرض وجود چنین شرطی‌هایی نمی‌تواند با فهم مولینیزم از خداوند، یعنی فهم سنتی (آموزه‌ای مشتمل بر صفاتی همچون تغییرناپذیری، غیرزمانمند بودن، مشیت مطلق و...) سازگار باشد، زیرا شرطی‌ها نیازمند فعلیت یافتن هستند، و حرکت از امکان به سمت فعلیت معنایی جز تغییر ندارد، همچنین تغییر جز در بستر زمان واقع نمی‌شود و نفی این صفات از خداوند مستلزم نفی سایر صفات مفروض در مولینیزم است. روشن است این امر مستلزم وجود تناقض و در نتیجه عدم انسجام در مولینیزم است. بنابراین طرح علم میانی خداوند به شرطی‌های خلاف واقع آزادی نمی‌تواند ما را در حل مسئله ناسازگاری مشیت و آزادی یاری کند.

کلیدواژه‌ها: مشیت، آموزه آزادی‌محور، مولینیزم، علم میانی، شرطی‌های خلاف واقع آزادی، فهم سنتی از خداوند.

فهرست مطالب

مقدمه و کلیات	۱
۱. طرح مسئله	۱
۲. سؤال‌های پژوهش	۳
۳. فرضیه‌های پژوهش	۳
۴. پیشینه پژوهش (بررسی اجمالی کارهای مشابه پیشین)	۵
۵. جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش	۶
۶. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش (چرایی پژوهش درباره این موضوع)	۷
۷. اهداف پژوهش	۷
۸. روش پژوهش	۸
۹. منطق حاکم بر فصل‌بندی	۸
۱۰. اصطلاحات کلیدی	۹
فصل اول: مسئله ناسازگاری مشیت مطلق الهی و آزادی مخلوقات	۱۰
۱. مقدمه	۱۰
۲. آموزه تعیین‌گرایی	۱۱
۳. ناسازگارگرایی	۱۴
۳,۱. تعیین‌گرایی نامنعطف	۱۴
۳,۲. ناسازگارگرایی نامنعطف	۱۴
۳,۲,۱. نقدی بر دو رویکرد فوق	۱۵
۳,۳. دیدگاه آزادی محور	۱۷
۳,۳,۱. استدلال مدافعان دیدگاه آزادی محور	۱۸
۳,۳,۲. نقدی بر دیدگاه آزادی محور	۱۸

۴. رویکرد سازگارگرایی	۱۹
۴,۱. سازگارگرایی کلاسیک	۱۹
۴,۱,۱. نقدی دیگر بر سازگارگرایی کلاسیک	۲۱
۴,۲. سازگارگرایی معاصر	۲۱
۴,۲,۱. نقدی بر ادعای فرانکفورت	۲۳
۵. انواع تعیین‌گرایی	۲۴
۵,۱. تعیین‌گرایی منطقی	۲۴
۵,۲. تعیین‌گرایی معرفتی	۲۵
۵,۳. تعیین‌گرایی علی	۲۵
۶. نفی دیدگاه آزادی‌محور	۲۷
۶,۱. رویکرد تعیین‌گرایی الهیاتی نامنعطف	۲۷
۶,۲. رویکرد تعیین‌گرایی الهیاتی منعطف	۲۸
۶,۲,۱. رویکرد تعیین‌گرایی الهیاتی - طبیعی	۳۲
۶,۲,۲. رویکرد تعیین‌گرایی الهیاتی - غیرطبیعی	۳۳
۷. نفی دیدگاه مشیت مطلق به معنای سنتی	۳۷
۷,۱. مشخصات دیدگاه خداباوری گشوده	۴۰
۷,۲. برخی از دلایل مطرح‌شده در دفاع از خداباوری گشوده	۴۱
۷,۲,۱. دلایل فلسفی	۴۱
۷,۲,۲. ادله مبتنی بر متن مقدس	۴۲
۷,۲,۲,۱. مواجهه خداوند با امور پیش‌بینی‌نشده	۴۲
۷,۲,۲,۲. ابراز پشیمانی خداوند	۴۳
۷,۲,۲,۳. کلام خداوند در قالب عبارات شرطی	۴۳
۷,۲,۲,۴. تغییر عقیده خداوند	۴۴
۸. جمع میان مشیت مطلق و آزادی به معنای آزادی‌محور	۴۴

۸,۱	دیدگاه علم پیشین صرف	۴۵
۸,۲	دیدگاه علم پیشین تقویت شده	۴۷
۸,۲,۱	دیدگاه خدای غیر زمانمند	۴۸
۸,۲,۲	مولینیزم	۴۹
۹	نتیجه گیری	۵۱
۱۰	پی نوشت	۵۱
فصل دوم:	تبیین علم میانی از منظر مولینیزم	۶۸
۱	مقدمه	۶۸
۲	علم یقینی خداوند به ممکنات استقبالی	۶۸
۲,۱	جهت متافیزیکی	۷۰
۲,۲	جهت زمانی	۷۳
۲,۳	جهت علی	۷۴
۳	مراتب علم خداوند	۷۵
۳,۱	علم طبیعی خداوند	۷۶
۳,۲	علم آزاد خداوند	۷۸
۳,۳	علم میانی خداوند	۸۰
۳,۳,۱	حقایق متعلق به علم میانی	۸۱
۳,۳,۲	ویژگی های شرطی های خلاف واقع آزادی	۸۲
۳,۳,۳	وجه اشتراک و افتراق علم میانی با دو علم دیگر (طبیعی و آزاد)	۸۳
۳,۳,۴	استدلال برای علم میانی	۸۴
۴	تبیین نظریه علم میانی بر اساس جهان های ممکن	۸۹
۵	تبیین نقش علم میانی در حل مسئله مشیت و آزادی	۹۶
۶	کاربست نظریه علم میانی در حل مسئله دعا	۹۷
۷	کاربست نظریه علم میانی در حل مسئله شر	۱۰۴

۷,۱	مسئله منطقی شر	۱۰۵
۷,۲	مسئله قرینه‌ای شر	۱۰۷
۸	نتیجه‌گیری	۱۰۹
۹	پی‌نوشت	۱۱۰
فصل سوم: عدم وجود شرطی‌های خلاف واقع آزادی		
۱	مقدمه	۱۱۹
۲	شرطی‌های خلاف واقع آزادی مستلزم تعیین‌گرایی	۱۱۹
۲,۱	مرحله نخست استدلال: استقلال صدق شرطی‌های آزادی از فعل عامل	۱۲۰
۲,۱,۱	شرطی‌های آزادی به‌مثابه شرطی‌های بنیادی	۱۲۴
۲,۲	مرحله دوم استدلال: عدم توانایی عامل در انجام فعل موردنظر	۱۲۶
۳	پاسخ فلینت به ردیه هسکر	۱۲۸
۳,۱	تحلیل علی از سبب شدن	۱۳۱
۳,۲	تحلیل خلاف واقع از سبب شدن	۱۳۲
۴	استدلال دور باطل علیه شرطی‌های خلاف واقع آزادی	۱۳۳
۴,۱	مرحله نخست استدلال	۱۳۳
۴,۲	مرحله دوم استدلال	۱۳۵
۵	پاسخ فلینت به استدلال ادمز	۱۳۶
۵,۱	تحلیل علی	۱۳۸
۵,۲	تحلیل خلاف واقع	۱۳۹
۵,۳	تحلیل منطقی	۱۴۰
۵,۴	تحلیل برحسب استلزام	۱۴۱
۵,۵	تحلیل برحسب سبب شدن	۱۴۱
۶	عدم وجود شرطی‌های خلاف واقع: استدلالی بازنگری شده	۱۴۲
۶,۱	قسمت نخست استدلال	۱۴۲

۶,۲. قسمت دوم استدلال: بر اساس مفهوم بازنگری شده از اصطلاح سبب شدن	۱۴۳
۷. پاسخ فلینت به استدلال فوق	۱۴۴
۸. مسئله دعا	۱۴۷
۹. مسئله شر	۱۴۸
۱۰. نتیجه‌گیری	۱۴۹
۱۱. پی‌نوشت	۱۵۰
فصل چهارم: عدم انسجام در مولینیزم	۱۵۲
۱. مقدمه	۱۵۲
۲. مسئله تغییرناپذیری خداوند	۱۵۳
۲,۱. ناسازگاری نظریه علم میانی با تغییرناپذیری خداوند	۱۵۴
۳. مسئله غیر زمانمند بودن خداوند	۱۵۸
۳,۱. دلیلی بر رابطه استلزام میان غیر زمانمند بودن خداوند و تغییرناپذیری او	۱۵۸
۳,۳. تعارض میان نظریه علم میانی و غیر زمانمند بودن خداوند	۱۵۹
۴. مسئله انفعال‌ناپذیری خداوند	۱۵۹
۴,۱. تعارض میان نظریه علم میانی و تأثیرناپذیری خداوند	۱۶۰
۵. مسئله بساطت خداوند	۱۶۰
۵,۱. ناسازگاری نظریه علم میانی با آموزه بساطت الهی	۱۶۲
۶. مسئله حضور مطلق خداوند	۱۶۳
۶,۱. این حضور چگونه باید فهم گردد؟	۱۶۴
۶,۲. تعارض علم میانی و آموزه حضور مطلق خداوند	۱۶۵
۶,۲,۱. عدم حضور در عالم به واسطه علم	۱۶۵
۶,۲,۲. عدم حضور در عالم به واسطه قدرت	۱۶۶
۶,۲,۳. عدم حضور در عالم به واسطه ذاتِ [هستی‌بخش] خود	۱۶۶
۷. مسئله خالق و حفیظ بودن خداوند	۱۶۷

۷,۱	تعارض مولینیزم و حفیظ بودن خداوند	۱۶۸
۸	مسئله علم مطلق خداوند	۱۶۸
۸,۱	تعارض نظریه علم میانی با آموزه علم مطلق الهی	۱۷۰
۹	مسئله قدرت مطلق خداوند	۱۷۱
۹,۱	تعارض نظریه علم میانی و آموزه قدرت مطلق الهی	۱۷۲
۱۰	مسئله خیر مطلق بودن خداوند	۱۷۳
۱۰,۱	معنای اخص یا اخلاقی	۱۷۴
۱۰,۲	تعارض علم میانی و خیر مطلق بودن خداوند	۱۷۴
۱۱	مسئله مشیت مطلق خداوند	۱۷۶
۱۲	مسئله ضرورت خداوند	۱۷۶
۱۲,۱	تعارض نظریه علم میانی و صفت ضرورت برای خداوند	۱۷۷
۱۳	مسئله خودبستگی خداوند	۱۷۷
۱۳,۱	تعارض نظریه علم میانی و صفت خودبستگی خداوند	۱۷۷
۱۴	نتیجه‌گیری	۱۷۸
۱۵	پی‌نوشت	۱۷۹
	نتیجه‌گیری پایانی	۱۸۲
	کتاب نامه	۱۸۷

مقدمه و کلیات

۱. طرح مسئله

علم خداوند به شرطی‌های خلاف واقع آزادی^۱، نظریه‌ای است که در سده شانزدهم توسط لوئیس مولینا^۲ برای حل معضل رابطه میان آزادی مخلوقات به‌ویژه انسان و مشیت مطلق الهی^۳ مطرح گردید [۱]. طبق فهم سنتی از خداوند، او دارای مشیتی مطلق است و این مفهوم، خود متضمن دو مؤلفه «حاکمیت»^۴ و «علم پیشین الهی»^۵ است. حاکمیت الهی بدین معناست که او بر همه امور کنترل (اشرافی) مطلق دارد و وقوع هر رویدادی تحت اراده و اجازه اوست و اوست که نحوه وقوع رویدادها را تعیین می‌کند. علم پیشین خداوند بدین معناست که خداوند به هر آنچه رخ خواهد داد، حتی افعال انسانی علمی جامع، یقینی و خطاناپذیر دارد.

مسئله‌ای که در اینجا قابل طرح است، رابطه میان آزادی انسان و این دو مؤلفه مذکور، یعنی حاکمیت و علم پیشین خداوند است. طبق دیدگاه آزادی‌محور^۶، آنچه ما انجام می‌دهیم، متعلق به ماست و هیچ امری جز خود ما نمی‌تواند علت نهایی افعال اختیاری ما باشد، لذا اگر ما انسان‌ها آزاد باشیم، چگونه خداوند می‌تواند بر افعال ما کنترل داشته باشد؟ و در نتیجه چگونه می‌تواند بر افعال آزادانه ما علم پیشین داشته باشد؟

مولینیزم، دیدگاهی است که برای حل مسئله مذکور سعی در جمع میان این دو مؤلفه، یعنی آزادی انسان به معنای آزادی‌محور و مشیت مطلق خداوند دارد و معتقد است که می‌توان مسئله را بدون ترک یکی از این دو مؤلفه حل نمود و راه حل برون‌رفت این معضل را طرح علم میانی خداوند می‌داند [۲]، علمی که معلومات آن گزاره‌های صادقی هستند امکانی به معنای خاص و مستقل از اراده خداوند (پیشا ارادی)، که عبارت‌اند از شرطی‌های خلاف واقع آزادی، شرطی‌هایی که تالی آن‌ها بیانگر افعال آزادانه انسان است. خداوند با علم میانی

^۱ . counterfactuals of freedom

^۲ . Luis de Molina (1535-1600)

^۳ . divine providence

^۴ . divine sovereignty

^۵ . divine foreknowledge

^۶ . Libertarianism

خود بدین شرطی‌ها، می‌داند که اگر فلان وضعیت (مقدم شرطی) خاص را تحقق بخشد، فلان فعل (تالی) خاص، به نحو آزادانه توسط عامل تحقق بخشیده می‌شود.

برای مثال با علم به این شرطی که «اگر به الیزابت توسط استاد او گونت مطالعاتی پیشنهاد شود، او آزادانه خواهد پذیرفت»، می‌داند که اگر این وضعیت (پیشنهاد گونت به الیزابت توسط استاد او) را فعلیت بخشد، الیزابت گونت را آزادانه خواهد پذیرفت. لذا او با علم به شرطی‌های خلاف واقع صادق و فعلیت بخشیدن مقدم آن‌ها، به افعال آزادانه الیزابت و به عبارتی به افعال آزادانه ما انسان‌ها علم خواهد داشت.

ازین‌رو این دیدگاه معتقد است از آنجایی که صدق این شرطی‌ها، امکانی و مستقل از اراده خداوند است، با طرح علم میانی می‌توان همچنان آزادی بشر را حفظ نمود و علم خداوند به افعال اختیاری، خدشه‌ای بر آزادی افعال ما وارد نمی‌کند. از طرف دیگر چون خداوند با علم به شرطی‌های صادق، آن‌ها را فعلیت می‌بخشد و این امر مستلزم فعلیت یافتن افعال آزادانه است، لذا همچنان می‌توان حاکمیت (کنترل) و علم پیشین خداوند به افعال آزادانه مخلوقات و در نتیجه مشیت او را حفظ نمود.

با توجه به عبارات فوق مسئله رساله پیش‌رو این است که مولینیزم در میان پاسخ‌های موجود به مسئله ناسازگاری مشیت الهی و آزادی مخلوقات چه جایگاهی دارد و وجه تمایز آن با سایر رویکردها چیست؟ ادعای مذکور (علم خداوند به شرطی‌های خلاف واقع آزادی) تا چه حد می‌تواند در پر کردن شکاف میان آزادی انسان و مشیت مطلق خداوند، نقش داشته باشد؟ همچنین اساساً چگونه می‌تواند چنین شرطی‌هایی وجود داشته باشد و مسبب صدق آن‌ها چه کسی و یا چه چیزی است؟ آیا خود فاعل‌های انسانی می‌تواند ضامن صدق این گزاره‌ها باشند؟ در صورت پذیرش وجود چنین شرطی‌هایی، آیا علم خداوند بدان‌ها با سایر پیش‌فرض‌های مولینیزم سازگار است یا خیر؟ در این رساله قصد داریم طی فصولی چهارگانه به بررسی این پرسش‌ها بپردازیم.

۲. سؤال‌های پژوهش

۱. در پاسخ به مسئله ناسازگاری میان مشیت الهی و آزادی مخلوقات، چه رویکردهایی وجود دارد؟ و جایگاه مولینیزم در این میان چیست؟

۲. علم خداوند به شرطی‌های خلاف واقع آزادی، چگونه می‌تواند رابطه مشیت الهی و آزادی انسان را تبیین نماید؟

۳. چگونه می‌توان وجود شرطی‌های خلاف واقع آزادی صادق را تبیین نمود؟

۴. آیا پذیرش علم خداوند به شرطی‌های خلاف واقع آزادی، با پیش‌فرض‌های مولینیزم سازگار است؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

۱. در مواجهه با مسئله مشیت و آزادی، سه رویکرد وجود دارد: ۱. نفی دیدگاه آزادی‌محور ۲. نفی دیدگاه مشیت مطلق به معنای سنتی ۳. جمع میان دو دیدگاه (آزادی‌محور و مشیت مطلق به معنای سنتی).

مولینیزم با طرح نظریه علم میانی به شرطی‌های خلاف واقع آزادی، سعی دارد هم مشیت مطلق الهی به معنای سنتی را حفظ نماید و هم آزادی به معنای آزادی‌محور را. لذا در جایگاه سوم قرار دارد؛ و بدین دلیل موضوع ما در این رساله خواهد بود.

۲. مولینیزم ادعا می‌کند با طرح نظریه علم میانی به شرطی‌های خلاف واقع آزادی، می‌توان آزادی مخلوقات را حفظ نمود، زیرا از طرفی صدق این شرطی‌ها، صدقی ممکن است، نه ضروری و همچنین مستقل از اراده خداوند است و از طرف دیگر خداوند صرفاً با بالفعل ساختن مقدمات این شرطی‌ها و نه تالی آنها - بلکه تالی توسط مخلوقات به نحو آزادانه بالفعل می‌گردد- به ممکنات استقبالی بالفعل (افعال آزادانه مخلوقات در آینده) علم دارد. لذا علم و اراده خداوند خدشه‌ای در آزادی مخلوقات ایجاد نمی‌کند. از طرف دیگر خداوند با علم به شرطی‌های صادق و بالفعل کردن مقدمات آنها علاوه بر اینکه به نحو یقینی می‌داند که ما مخلوقات آزادانه چه فعلی (تالی) را محقق خواهیم ساخت، بر تمام آنچه در آینده رخ می‌دهد کنترل دارد، زیرا بالفعل کردن مقدمات

شرطی‌های صادق، مستلزم فعلیت یافتن افعال آزادانه مخلوقات است. لذا علم و حاکمیت خداوند بدون آنکه منجر به تعیین‌گرایی شود حفظ می‌گردد. در نتیجه یک فرد مولینیست معتقد است که با طرح علم میانی می‌توان معضل میان اراده آزاد مخلوقات و مشیت الهی را حل نمود و میان آن دو اتفاق برقرار نمود.

۳. منتقدین مولینیزم معتقدند در صورتی می‌تواند شرطی آزادی صادقی وجود داشته باشد، که دارای مسبب صدق باشد. این مسبب صدق یا خداوند است یا خود عامل فعل (مخلوق آزاد) مذکور در آن شرطی. خداوند نمی‌تواند صادق ساز باشد، زیرا آنگاه دیگر نمی‌توانیم آن شرطی را شرطی آزادی مخلوقی بنامیم، همچنین این امر خلاف فرض مولینیزم است. و از طرف دیگر خود عامل نیز نمی‌تواند صادق ساز باشد، زیرا چنین شرطی‌هایی در نظام تبیینی مولینیزم، پیش از تصمیم خداوند بر خلق جهان کنونی، صادق‌اند و این امر بدین معناست که شرطی‌های خلاف واقع آزادی بخشی از تاریخ گذشته جهان را تشکیل می‌دهند و در نتیجه حقایق تثبیت شده‌اند. لذا این شرطی‌ها کاملاً مستقل از فعل ما مخلوقات هستند، و این سخن به معنای عدم توانایی ما در صادق ساختن شرطی‌های مربوطه است. اگر ما مخلوقات مسبب صدق این شرطی‌ها نباشیم، این شرطی‌ها دیگر نمی‌توانند شرطی‌های آزادی تلقی شوند و در نتیجه ادعای وجود شرطی‌های خلاف واقع آزادی صادق، ادعایی ناموجه است. اما برخی از مدافعان مولینیزم در پاسخ بیان می‌کنند که صدق این شرطی‌ها نیازمند مسبب نیست و گزاره‌ای بالذات صادق‌اند، که این ادعا نیز به عقیده منتقدین مولینیزم منجر به سلب آزادی از عامل مختار می‌شود که نتیجه‌ای جز نفی وجود چنین شرطی‌هایی نخواهد داشت. بنابراین مولینیزم نمی‌تواند در حل مسئله مشیت و آزادی، وجود آزادی به معنای آزادی‌محور را حفظ نماید.

۴. پذیرش علم میانی خداوند به شرطی‌های خلاف واقع آزادی مستلزم نفی مفهوم سستی از خداوند است. یعنی مستلزم نفی صفاتی همچون تغییرناپذیری، تأثیرناپذیری، بساطت، غیر زمانمند بودن و سایر صفات مطلق به معنای سستی است. و از آنجایی که خدای سستی یکی از مفروضات اصلی مولینیزم است، لذا نفی آن توسط مفروض دیگر مولینیزم یعنی علم میانی، به معنای وجود خودتناقض‌گری^۱ و در نتیجه عدم انسجام درونی در مولینیزم است. بنابراین مولینیزم آموزه‌ای کاملاً شکست‌خورده و ناموجه است.

^۱ . self-contradiction

۴. پیشینه پژوهش (بررسی اجمالی کارهای مشابه پیشین)

لازم به ذکر است که در آثار فارسی فقط دو مقاله با عنوان بررسی دیدگاه ویلیام هاسکر درباره «علم میانی» خداوند با تکیه بر آرای توماس فلینت نوشته زهرا کار اندیش - عبدالرسول کشفی منتشر شده در مجله جستارهای فلسفه دین (۱۳۹۳) و استدلال دور باطل علیه مولینیزم؛ اشکال رابرت آدامز و پاسخ تامس فلینت نوشته سارا بغدادی - رسول رسولی پور در مجله پژوهش‌های مابعدالطبیعی (۱۴۰۰) و یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان رویکرد مولینیزم به مسئله‌ی سازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان نوشته محمد صالح زارع پور به راهنمایی دکتر محمد سعیدی مهر (۱۳۸۹)، نزدیک به موضوع رساله پیش رو تألیف شده است.

در مقاله خانم کاراندیش، ایشان به توصیف استدلال‌های فلینت و هسکر پرداخته‌اند و در پایان با اتکا بر استدلال فلینت، به رد نقدهای هسکر و دفاع از دیدگاه مولینیزم پرداخته‌اند. همچنین به نظر می‌رسد ایشان استدلال مستقلی برای دفاع از مولینیزم ارائه نکرده‌اند و همان استدلال فلینت را ذکر کرده‌اند. خود ایشان در نتیجه‌گیری مقاله می‌نویسند: «با تکیه بر آرای توماس فلینت ابتدا مقدمات سه‌گانه استدلال هاسکر را بیان کردیم و بیان کردیم که این استدلال در صورتی معتبر است که مولینیزم نتواند مقدمات سه‌گانه آن را باطل کند...». این دقیقاً همان کاری است که خود فلینت انجام داده است. او سعی کرده است استدلال هسکر را در قالب مقدماتی خلاصه کند و سپس به رد آن‌ها بپردازد.

خانم بغدادی نیز در مقاله خود سعی دارند از استدلال آدامز علیه مولینیزم دفاع کنند و معتقدند: «فلینت علیرغم نقد موشکافانه و دقیقی که بر مواضعی از استدلال آدامز وارد آورده است، پرسش‌های وی را عامداً یا سهواً، بی‌پاسخ گذاشته است؛ به عبارت دیگر، فلینت بی‌آنکه به مسئله اساس صدق شرطی‌های اختیار، و یا چالش علت صدق فعل آزاد در آموزه علم میانی پرداخته باشد، با تغییر موضوع دعوا، درصدد ابطال استدلال آدامز برمی‌آید. و لذا می‌توان گفت، دست‌کم در این تقابل، پرسش‌های مطروحه در استدلال بی‌پاسخ می‌مانند».

اما در پاسخ به ادعای خانم بغدادی باید ذکر کرد فلینت مسبب صدق را عامل‌های مختار بیان می‌کند و با نقد مقدمات استدلال آدامز سعی می‌کند همچنان این امکان را که عامل‌های مختار مسبب صدق شرطی‌ها هستند، ابقا کند. لذا نمی‌توان به صراحت گفت که او در پاسخ به آدامز اساس مسئله صدق را بی‌پاسخ می‌گذارد. حتی هسکر

با پذیرش نقد فلینت بر استدلال دوری ادمز، سعی می‌کند استدلال ادمز را بازسازی کند. در نقد فلینت باید نشان داد که عامل‌های مختار نمی‌توانند مسبب صدق باشند، دقیقاً همان کاری که هسکر به دقت در مقاله عدم وجود شرطی‌های خلاف واقع مولینیستی^۱ انجام می‌دهد و ما در فصل سوم سعی کرده‌ایم از این استدلال هسکر دفاع کنیم.

و در پایان‌نامه آقای زارع پور، علی‌رغم اینکه اثر ارزشمندی را به ثبت رسانده‌اند، اما ایشان موضع خود را در قبال مولینیزم روشن نکرده‌اند بلکه نتیجه خود را در قالب منفصله حقیقیه «مولینیزم یا خداگرایی گشوده» بیان نموده‌اند، و ادعا کرده‌اند که «پاسخ جبرگرایی یا مولینیزم است یا خداباوری گشوده»، که این ادعا همان مسئله‌ای است که از قبل بین مدافعان و منتقدان مولینیزم مطرح بوده است و خود نیازمند حل است و تمام مشاجرات طرفین بر سر همین مسئله بوده است.

۵. جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش

آنچه پژوهش پیش‌رو را از آثار ذکر شده در بخش پیشین متمایز می‌کند این است که در این پژوهش سعی شده است علاوه بر بررسی رویکردهای موجود به مسئله علم خداوند به شرطی‌های خلاف واقع، از منظری دیگر به این مسئله پرداخته شود. در آثار مذکور به زبان فارسی و هم‌چنین در غالب آثار انگلیسی، بحث بر سر چگونگی صدق شرطی‌های خلاف واقع و صدق ساز این شرطی‌هاست. اما ما در فصل چهارم این رساله سعی کرده‌ایم نشان دهیم علاوه بر مشکل در اساس صدق این شرطی‌ها، پذیرش این شرطی‌ها مستلزم عدم انسجام در مولینیزم است، زیرا یکی از مبانی اصلی مولینیزم اعتقاد به مفهوم سنتی از خداوند است، اما پذیرش شرطی‌های خلاف واقع آزادی در علم الهی مستلزم نفی این فهم از خداوند است. هم‌چنین در بخش نتیجه‌گیری این پژوهش سعی کرده‌ایم نشان دهیم اگر بخواهیم هم آزادی مخلوقات را حفظ نماییم و هم فهم سنتی از خداوند را، باید چه تلقی از علم و اراده الهی داشته باشیم.

^۱ . The (Non-) Existence of Molinist Counterfactuals

۶. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش (چرایی پژوهش درباره این موضوع)

پژوهش در باب مسئله علم خداوند به شرطی‌های خلاف واقع آزادی می‌تواند تکلیف ما را در قبال مسئله آزادی انسان و مشیت الهی روشن‌تر نماید، زیرا یا این نظریه می‌تواند به مسئله مشیت و آزادی پاسخ دهد، یا در صورت عدم توانایی در پاسخ، روشن می‌شود که شرطی‌های خلاف واقع آزادی در علم خداوند جایی ندارند و باید به جست‌وجوی راهی جدیدتر پرداخت. همچنین این مسئله خود یکی از بنیادی‌ترین مسائل در حوزه فلسفه دین است، که دریچه‌ای خواهد بود به‌سوی مسائل بنیادینی همچون مسئله شر، تغییرناپذیری خداوند، دعا و گناه. اما نکته ویژه‌ای که پژوهش ما را در این عرصه ضروری می‌سازد، همان‌گونه که ذکر شد، این است که در آثار فارسی در باب این موضوع تنها دو مقاله و یک پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد نوشته شده است که در بخش پیشینه تحقیق به بررسی آن‌ها پرداختیم. همچنین لازم به ذکر است که پایان‌نامه مذکور در شهریور سال ۱۳۸۹ دفاع گردیده است و حدود دوازده سال است که در کشورمان درباره این موضوع تحقیقی تخصصی صورت نگرفته است، درحالی‌که در دهه اخیر، آثار متعددی از جانب مدافعان و منتقدین مولینیزم در آثار انگلیسی ثبت گردیده است که نشان‌گر تحول و پویایی در باب این موضوع است که در این دوازده سال در آثار فارسی مورد غفلت قرار گرفته است، لذا این امر خود نشانی بر ضرورت پژوهش در باب موضوع مذکور است.

۷. اهداف پژوهش

ما در این رساله قصد داریم با بررسی مولینیزم نشان دهیم این دیدگاه نه می‌تواند آزادی مخلوقات را حفظ نماید و نه فهم سنتی از خداوند را، در نتیجه پروژه‌ای کاملاً شکست‌خورده است. لذا شرطی‌های خلاف واقع آزادی در علم خداوند جایی ندارند، و اگر بخواهیم پاسخی به مسئله مشیت و آزادی ارائه دهیم می‌بایست این مسئله را یک گام جلوتر برده و متعلقات شرطی را از ساحت علم و اراده الهی کنار بگذاریم.

۸. روش پژوهش

روش پژوهش ما در فصل نخست رساله، روشی توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای است، زیرا قصد داریم به توصیف و تحلیل و مقایسه رویکردهای مطرح‌شده در پاسخ به مسئله مشیت و آزادی بپردازیم. در فصل دوم نیز روش ما توصیفی و تحلیلی است، زیرا سعی داریم به توصیف علم میانی و تحلیل آن در حل مسئله مشیت و آزادی بپردازیم. در فصل سوم نیز روش ما تحلیلی، انتقادی است. زیرا سعی داریم به تحلیل انتقادهای مطرح‌شده به نظریه علم میانی بپردازیم. و در فصل چهارم نیز روش ما، توصیفی، تحلیلی، انتقادی است، زیرا سعی داریم با توصیف و تحلیل فهم سنتی از خداوند نشان دهیم که طرح علم میانی نمی‌تواند با چنین فهمی از خداوند سازگار باشد.

۹. منطق حاکم بر فصل‌بندی

پژوهش پیش‌رو مشتمل بر چهار فصل است. در فصل نخست ابتدا به بررسی رویکردهای مختلف به مسئله تعیین‌گرایی و آزادی پرداخته‌ایم و سپس با اطلاق این رویکردها، پاسخ‌های ارائه‌شده به مسئله ناسازگاری مشیت و آزادی را مورد بررسی قرار داده و جایگاه مولینیزم را در این میان نشان داده‌ایم و بیان کرده‌ایم که چرا مولینیزم و علم خداوند به شرطی‌های خلاف واقع آزادی موضوع اصلی ما در این رساله است.

در فصل دوم به بررسی تبیین مولینیزم از علم خداوند به شرطی‌های خلاف واقع آزادی و نقش آن در چگونگی حل مسئله مشیت و آزادی و پرداخته‌ایم. در ادامه ادله فلسفی و الهیاتی به نفع علم میانی را مورد بررسی قرار داده و در آخر به کاربرست علم میانی خداوند در حل مسئله دعا و شر از منظر مولینیزم پرداخته‌ایم.

در فصل سوم به ارائه و بررسی نقدهای مطرح‌شده مبنی بر عدم امکان وجود شرطی‌های آزادی صادق پرداخته‌ایم؛ استدلال‌هایی که پذیرش شرطی‌های خلاف واقع آزادی را مستلزم نفی آزادی از مخلوقات می‌دانند. و در ادامه در دفاع از این ادعا که چنین شرطی‌هایی نمی‌توانند وجود داشته باشند، استدلالی را مطرح کرده‌ایم. و در آخر این فصل نشان داده‌ایم که فرض عدم وجود چنین شرطی‌هایی، چه پیامدی در حل مسئله دعا و شر از جانب مولینیزم خواهد داشت.

در فصل چهارم نیز به این مسئله خواهیم پرداخت که طرح نظریه علم میانی چه رابطه‌ای با سایر مبانی مولینیزم خواهد داشت و نشان خواهیم داد که پذیرش چنین شرطی‌هایی در علم الهی، مستلزم نفی خداباوری سنتی و در نتیجه مستلزم عدم انسجام در مولینیزم است.

و در بخش نتیجه‌گیری با توجه به فصول مطرح شده سعی کرده‌ایم الگویی را برای فهم علم و اراده الهی مطرح نماییم، تا بتوانیم جایی برای امکان آزادی و مشیت مطلق الهی به معنای سنتی بازکنیم.

۱۰. اصطلاحات کلیدی

به دلیل شرح کامل اصطلاحات کلیدی در فصول اصلی رساله، از ارائه مجدد آن در این بخش خودداری کرده‌ایم.

-
۱. لازم به ذکر است که مولینا صراحتاً از واژه شرطی‌های خلاف واقع نام نبرده است، بلکه آن‌ها را شرطی‌های استقبالی (conditional future) نامیده است، اما به‌طور روشنی توصیفات وی از این گزاره‌ها بر شرطی‌های خلاف واقع دلالت دارد. مسئله ناسازگاری آزادی و مشیت،
 ۲. مولینیزم به لحاظ منطقی سه مرتبه علم برای خداوند بدین ترتیب قائل است: علم طبیعی، علم میانی و علم آزاد الهی که در فصل دوم بدان خواهیم پرداخت.

فصل اول: مسئله مشیت الهی و آزادی مخلوقات

۱. مقدمه

در سنت مسیحی همواره این باور مطرح بوده است که خداوند دارای مشیت مطلق^۱ است، بدین معنا که او عالم و تمام موجودات آن را آگاهانه و عاشقانه به سمت اهداف خیرخواهانه‌ای که مقدر داشته است هدایت می‌کند و بدین طریق کمالات^۲ (مطلقیت) و عشق خود به مخلوقات را اظهار می‌کند (Flint, 1998:12) [۱]. این مفهوم خود متضمن دو مؤلفه «حاکمیت»^۳ و «علم پیشین الهی»^۴ است. حاکمیت خداوند بدین معناست که او بر همه امور کنترل (اشرافی) مطلق دارد و وقوع هر رویدادی تحت اراده و اجازه اوست و اوست که نحوه وقوع رویدادها را تعیین می‌کند. علم پیشین خداوند بدین معناست که خداوند به هر آنچه رخ خواهد داد، حتی افعال آزادانه مخلوقات علمی یقینی، جامع و خطاناپذیر دارد (Flint, 1998: 11-12) [۲] و این علم خود مبتنی بر حاکمیت خداوند است، زیرا او به سبب تصمیمی که برای نحوه وقوع رویدادها می‌گیرد، به وقوع آن‌ها علم پیشین دارد و اگر تصمیم او هیچ تأثیری در علم پیشین او نداشته باشد، آنگاه مفهوم کنترل (حاکمیت) خداوند بر جهان، بی‌معنا خواهد بود (Flint, 1998: 35-36). [۳]

مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌گردد، رابطه میان آزادی مخلوقات و این دو مؤلفه مذکور، یعنی حاکمیت و علم پیشین خداوند است [۴]. طبق دیدگاه «آزادی‌محور»^۵، دیدگاه غالب در سنت مسیحی، آنچه ما انجام می‌دهیم، متعلق به ماست و هیچ امری جز خود ما نمی‌تواند علت نهایی فعل ما باشد، به عبارت دیگر «ممکن نیست علت نهایی افعال آزاد [مخلوقات] رویدادهایی خارج از کنترل عامل [آن فعل] باشد» (Flint, 1998: 23 & 27). لذا اگر ما انسان‌ها آزاد باشیم، چگونه خداوند می‌تواند بر افعال ما کنترل داشته باشد؟ در نتیجه چگونه می‌تواند بر افعال آزادانه ما علم پیشین داشته باشد؟ زیرا یا باید علم او به افعال ما، به سبب علم او به وضعیتی باشد که ما در

^۱ . omni providence

^۲ . perfections

^۳ . sovereignty

^۴ . divine foreknowledge

^۵ . Libertarianism

آن قرار داریم و آن وضعیت است که فعل ما را تعیین می‌کند یا باید به سبب اراده‌اش باشد که به‌طور علی سبب می‌شود ما در وضعیت‌های مشخص به نحو مشخصی عمل کنیم؛ این دو حالت طبق دیدگاه آزادی‌محور با آزادی فعل ما تعارض دارد (Flint, 1998: 35). در مواجهه با این مسئله، با سه رویکرد روبرو خواهیم بود: ۱. نفی دیدگاه آزادی‌محور؛ ۲. نفی دیدگاه مشیت مطلق به معنای سنتی (حداکثری)؛ ۳. جمع میان دو دیدگاه (آزادی‌محور و مشیت مطلق به معنای سنتی). پیش از پرداختن به این سه رویکرد، ابتدا لازم است به تعریف جامع‌تری از دیدگاه آزادی‌محور بپردازیم تا مسئله مذکور و موضع این سه دیدگاه نسبت به آن روشن‌تر گردد.

۲. آموزه تعین‌گرایی

طبق آموزه تعین‌گرایی^۱ تمام رویدادها از جمله افعال ما انسان‌ها توسط عواملی خارج از کنترل ما همچون خدا، قوانین طبیعت یا قوانین منطق، محرک‌های غیرآگاهانه، شرایط روان‌شناختی یا اجتماعی و غیره، تعین^۲ یافته است. و این امر دو پی‌آمد خواهد داشت: ۱. صرفاً یک آینده ممکن وجود خواهد داشت. ۲. منشاء نهایی^۳ فعل ما خارج از کنترل ما خواهد بود (Kane, 2007:5). پی‌آمد نخست به معنای نفی امکانات بدیل^۴ است، یعنی صرفاً یک انتخاب ممکن می‌توانیم داشته باشیم، زیرا ما نیستیم که انتخاب می‌کنیم کدام فعل را انجام دهیم بلکه انتخاب و فعل ما توسط عوامل خارج از کنترل ما متعین شده است و ما نمی‌توانیم برخلاف آن از انجام آن فعل معین شده سرباز زنیم و جور دیگری عمل کنیم، لذا بیش از یک آینده برای ما ممکن نیست؛ به عبارت دیگر اگر تعین‌گرایی صادق باشد، آینده همچون گذشته، تثبیت شده است. این ادعا معنایی جز عدم انتخاب و در نتیجه نفی آزادی نخواهد داشت. می‌توان این استدلال را که «استدلال ناسازگارگرایی کلاسیک»^۴ نامیده می‌شود در قالب ذیل بیان نمود (McKenna, 2019:sec 1) [۵]:

۱. هر عامل «ج» فعل «الف» را آزادانه انجام می‌دهد، اگر و تنها اگر بر فعل «الف» کنترل داشته باشد.

^۱. Determinism

^۲. ultimate causal source

^۳. possible alternatives

^۴. Classical Incompatibilist Argument